

دائرة المعارف حبان زین اسلام

جلد ۱

آب

سرپرستار متن انگلیسی
جان ل. اسپوزیتو

ترجمه و تحقیق و تملیق
زیر نظر

حسن طارمی، محمد دشتی، مهدی دشتی



نشر کتاب مرجع



نشر کارگاه

تهران ۱۳۸۸



فہرست مصنفگان این مجلہ

الف- مبادلہ یابی، تنظیم و توضیح مدخل ہا
نگار نادری

ب- ترجمہ مقالات

یوسف ابادری	محمد فاطمیان
مہدی افشار	مہدی فاطمیان
محمد باقری	مراد فرہادپور
ولی اللہ برزگر کلیشمی	سید مجید قافلہ باشی
سعید پیشداد	حمیدہ کوکب
محمد تقی زادہ	سید علی مرتضویان
صمد چینی فروشان	سپیدہ معتمدی
علی اصغر خندان	مجتبی منشی زادہ
ہن خوش چین گل	افسانہ منفرد
شہناز رازپوش	سید حسین میرحلیلی
محمد رفیعی مہرآبادی	نگار نادری
محمد علی صالحی	محمد جواد ناطق پور
حسن طارمی راد	سید عباس ہاشمی
ہدایت علوی تبار	محمد منصور ہاشمی
علی فاطمیان	لیلا ہوشنگی

ج- مقابلہ ترجمہ و ویرایش

نگار نادری

سپیدہ معتمدی
مجتبی منشی زادہ

د- ویرایش علمی، تحقیقی و تعلیمی (ہیئت ویراستاری)

حسن طارمی راد
محمد دشتی
مہدی دشتی

ه- ترجمہ کتابشناسی

مستورہ خضرائی

و- گزینش و آمادہ سازی تصاویر

معصومہ میرسعیدی

ز- ضبط اعلام

کبری محمدی تکیہ

ح- امور هنری

مسعود نجابتی (طراح گرافیک) علی لٹافی (بازینی فنی و اجرای هنری)

ط- آمادہ سازی فنی

سہیلا اسدی باہر (صفحہ آرا)	اکرم رضایی (نمونہ خوان و ویراستار فنی)
مہناز خلیج اسماعیلی (نمونہ خوان)	اعظم رمضانپور سبحانی (حروف نگار)
فریرز رسولی (بیگری حروف نگاری)	

ی- امور اجرایی

وحید وکیل

سید مصطفی سیفی

منوچهر دراج	بازرگان، مهدی	انگلیس و اسلامی، قانون	انگلیس و اسلامی، قانون
مهدی افشار		دیویدگیل مارتین	دیویدگیل مارتین
محمد دشتی	تکمله	محمد رفیعی مهرآبادی	محمد رفیعی مهرآبادی
ارلین دیلهچلین حنفی	بازیها و ورزش	فضل الله جمیل	فضل الله جمیل
مهدی افشار		لیلا هوشنگی	لیلا هوشنگی
جان اس. شوپرلین	باسمه چیان	فیروز احمد	فیروز احمد
انجیل		سعید پیشداد	سعید پیشداد
سپیده معتمدی	باغها و مناظر	هوارد ا. رید	هوارد ا. رید
جون تاپوروف	اشکال مستقی	سعید پیشداد	سعید پیشداد
مهدی افشار		عمری ایچ. کرکوله	عمری ایچ. کرکوله
فیر چایلد راگنر	اشکال باغهای امروزی	سعید پیشداد	سعید پیشداد
مهدی افشار		ماریلین الین هگلد	ماریلین الین هگلد
الکساندر پوپویویچ	بالکان، دولتها	هیأت ویراستاری	هیأت ویراستاری
سعید پیشداد		وائل خلاق	وائل خلاق
رادنی ویلسن	بانک توسعه اسلامی	سعید پیشداد	سعید پیشداد
سیدحسین میرجلیلی		رونالد ل. ینلر	رونالد ل. ینلر
رادنی ویلسن	بانک و بانکداری	ولی الله برزگر کلپشی	ولی الله برزگر کلپشی
سیدحسین میرجلیلی		ابون یازیک حداد، جین	ابون یازیک حداد، جین
محسن. اس. خان و عباس	تکمله	ا. اسمیت	ا. اسمیت
میرآخور		نگار نادری	نگار نادری
	بحرین ← کشورهای خلیج فارس	شاهرخ انجوی	شاهرخ انجوی
	ببخارا، خانانات ← خانانات بخارا	افسانه منفرد	افسانه منفرد
افتخار زمان	بدعت	مستصر میر	مستصر میر
مهدی افشار		هدایت علوی تبار	هدایت علوی تبار
پائول جی. ماگنارلا	برادران جمهوری خواه	دنيس مک اوئن	دنيس مک اوئن
محمد تقی زاده		حمیده کوکب	حمیده کوکب
درو زوی	برده ناری	دنيس مک اوئن	دنيس مک اوئن
سیدعباس هاشمی		حمیده کوکب	حمیده کوکب
ژانو نخوزه ریس	برزیل	مایکل م. جی. فیشر	مایکل م. جی. فیشر
سیدمحمد قافله باشی		سیدحسین میرجلیلی	سیدحسین میرجلیلی

بازار، مترادف فارسی کلمه "Market" به مجموعه‌ای از شکل‌های معماری و اقتصادی، از بازارهای سرپوشیده، بازارهای درمستقیم اداری و مغازه‌های کوچک که در همسایگی یکدیگر در کورچه‌ها ردیف شده‌اند، گرفته تا برداشتهای انتزاعی از بازار به عنوان بخشی از اقتصاد تجاری، خصوصاً بخشی که در کنترل نظام بانکداری دولتی قرار ندارد، اشاره دارد. به عنوان یک مسأله شغلی، بازار سنتی شامل شبکه متفاوتی از نمایندگیهای «صالحه‌الکاری»، کارگزاران، قروینندگان دوره‌گرد، دستفروشان، عملدورشان، بازرگانانی که از مسافتهای دور می‌آیند، دلالان، صرافان، پیشه‌وران و دستیاران صاحبان مغازه‌ها است (پریز، ۱۹۷۲: ۱۰۰ روتلند). بازار همچنین معانی اجتماعی متعددی از تشخص یا تصریری طریقاتی (بر اساس این معنا تاجرها [بازرگانان بزرگ] غالباً از بازارها [مغازه‌داران کوچک] متمایز می‌گردند)، تا روشهای کنترل اجتماعی دارد (که این معنا تا حدی در نظام اعتباری بازار تا اندازه‌ای در نهادهای اجتماعی بازار از قبیل: اصناف، مساجد، هیئتهای مذهبی، آوایر مذهبی؛ در باره این عنوان سه ۱۹۷۳: ۱۰۰) ژورخانه‌ها و حمامها و تا حدی در القاب مسجریان سیاستگذاریهی داخلی که برحسب نوع شخصیتشان در باره آنها صحبت می‌شود قرار دارد مانند داش، گردن کلفت، جاهل، اوباش، جوانمرد، آقا، استاد و شاگرد، و سرانجام دارای معنایی در قرآنی اخلاقی آموزه‌های اسلامی نیز هست. بازار به عنوان مکان جهاد نفس (نبرد اخلاقی)، که خدمت به عنوان واجب کفایی (به نفع عموم) انجام می‌شود، جایی که ضوابط تجارت اسلامی در مواردی می‌تواند توسط مأموران قضایی که مستحب نامیده می‌شود و همچنین قاضی یا مجتهد اجرا شود.

این عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی مرتبط با هم می‌تواند با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی در حال تحول، به روشهای مختلفی، با جزئیات آن شرح داده شود. بسیاری از بازارهای سرپوشیده با حمایت پادشاهان یا حکمرانان به عنوان مکانی که مالیاتها و اجاره‌ها می‌توانست به آسانی جمع‌آوری شود، بنا شدند. برخی

بازارهای سرپوشیده کوچک نیز توسط گروههایی از بازرگانان ساخته شدند ولی شکل اقتصادی ارائه تسهیلات و سپس تعیین اجاره برای بازارها، موضوعی عمومی است که به مظهرهای خرید، در خیابانها و بلوارهای جدید نیز سرایت کرده است. اجاره‌ها ممکن است اغلب به صورت وقف، باشد و همین درآنها میان بازار و مؤسسات مذهبی ارتباط برقرار کرده است. پادشاهان و حکمرانان نیز متناوباً تلاش کرده‌اند به ساختار صنفی مسورت رسمی بدهند و از آن به عنوان راهی برای جمع‌آوری اجاره‌ها و مالیاتها استفاده و کنترلهای سیاسی را اعمال نمایند. اما این اقدام، گاهی موفقیت‌آمیز بود. اصطلاح «صنف» در اغلب موارد به معنای پیشه‌وری یا شغل، تنزل یافت که سرورتاً دلالت بر هیچگونه سازمانی نداشت. در غالب موارد ساختارهای صنفی، در مواردی که وجود داشتند، مستقل از دولت بودند و تلاش می‌کردند رقابت و اختلافات میان اعضا را کنترل کنند. به عنوان مثال صنف نانوايان به طور مکرر محل مغازه‌های جدید را و اینکه به کدام یک از تازه‌واردان به جامعه اجازه افتتاح نانوايي بدهند را اداره می‌کرد. لازم بود مغازه‌های نانوايي و چند شغل دیگر نظیر قصابی یا خواربارفروشی، نه تنها در بازار مرکزی بلکه در سراسر شهر پخش شوند. سایر مشاغل تمايل داشتند دور هم جمع شوند، به گونه‌ای می‌شود شاهد بازار پارچه، بازار آهنگران و غیره بود. در مرکز اغلب بازارهای سنتی، بازار صرافان یعنی به اصطلاح قیصریه وجود داشت که صرافان و اعتباردهندگان در آنجا فعالیت داشتند. قیصریه اغلب دارای دروازه‌های سنگینی بود که برای ایجاد امنیت بیشتر، در شب بسته می‌شد. اعطای اعتبار، وسیله اعمال کنترل بود. بازرگانان کوچک در صورتی می‌توانستند وام دریافت کنند، که بازرگانان بزرگ، آنها را ضمانت کنند. قصور ورزیدن (تکول) در پرداخت وام، گناه بسیار بزرگی بود؛ بهتر بود وام دیگری حتی با نرخ ریایی بگیرد، تا آن که از بازپرداخت وام سر باز زند، زیرا نتیجه قصور ورزیدن و تکول در بازپرداخت وام، کنار گذاشتن وی از کل نظام صنفی بود. این سلسله مراتب کنترل از طریق سازمانهای

رسمی، نسوین، وثیقه زیادی مستطابقه سعی کردند و نمی توانستند اطمینان را به همان انعطاف پذیری بازار، فراهم نمایند. این واقعیت که بانکها در ایران عصر پهلوی نرخ وام ناکافی به میزان یک دهم درصد داشتند (در مقابل ۳ تا ۴٪ در ایالات متحده آمریکا) نشان دهنده فقدان انعطاف پذیری یاد شده است. بنابراین در حالی که نظام بانکداری برای دولت و بخش بزرگ صنعتی برای دریافت وامهای بازرگانی مهم و اساسی بود، برای وامهای تجاری به صورت اصلی باقی مانده و بنابراین برای بیشتر ماترهای مربوط به موضوعات اقتصادی، وضعیت عمدهای پیدا کرد. همچنین بازار برای کشاورزی سنتی و نظامهای پیشه‌وری به عنوان بازار فروش و برای دریافت اعتبار حالت مرکزی داشت. پارچه و فرش باقی اغلب از طریق بازار، بر اساس نظام تولیدی که از نیروی کار پیشه‌وری روستا استفاده می‌کرد، سازماندهی شده بود (در مورد فرش کرمان - دیلون؛ ۱۹۷۶ و انگلیس: ۱۹۶۶م).

آموزه اخلاقی بازار اسلامی در حصول و حوش یک رشته مفاهیم در باره قیمت منصفانه و رعایت عدالت در معاملات بنا شده است. ضابطه اصلی بازرگانی شیعه در مورد بازار هنوز «کاسب محرمه نوشته شیخ مرتضی انصاری است که یک قرن قدمت دارد و مشتمل بر قواعد و دستورات عملی برای مبادله در بازار و بخشهای بسازرگانی مسی باشد و معمولاً در رساله‌های توضیح المسائل به توسط هر یک از مراجع تقلید منتشر می‌شود. تلاشهای چندی برای روزآمد نمودن آن، عمدتاً از طریق مباحث ایدئولوژیک در باره عدالت اجتماعی و سیاستهای مترقی و نه از طریق مثالهای موردی آنگونه که در رساله‌های توضیح المسائل سنتی وجود دارد، انجام شده است (به عنوان مثال: سید محمدباقر صدر، ۱۹۶۱م؛ طالقانی، ۱۹۶۲م؛ شیرازی، ۱۹۷۳م؛ در مورد کتاب جهان حرب و چشم‌انداز برابری مسلمانان [به فارسی ترجمه شده است] - سید قطب ۱۹۸۱م، برای اردویاتان - مودودی؛ مثنی ۱۹۸۶م)، تلاشهایی نیز از سوی جمهوری اسلامی ایران جهت بازنویسی قوانین

سامانی مختلف که توسط تاجران، بازاریان و پیشه‌وران تأمین مالی و هدایت می‌شد به امر اجتماعی نیز سرایت کرد. به همین دلیل، دولت اغلب تلاش می‌کرد این سازمانها را تحت کنترل قرار داده یا در کنترل خود در آورد. در ایران، رژیم پهلوی چندین بار تلاش کرد اصناف، قیمتها و ورزنگاههای سنتی و مردان جوان پیرر آنها را تحت نفوذ یا کنترل در آورد. آخرین باری که رژیم پهلوی تلاش کرد در مقیاس وسیع آن را جامعه عمل ببوشاند در ۱۳۵۴ش/۱۹۷۵ در زمان تأسیس تنها حزب دولتی به نام رستاخیز بود، این اقدام منجر به تشدید خصومت با دولت گردید و از عوامل زمینه‌ساز بسیجی گردید که انقلاب سالهای ۱۳۵۶-۱۳۵۷ش/۱۹۷۷-۱۹۷۹ را پدید آورد. تلاشهای موفقیت‌آمیزی جهت ضابطه‌مند نمودن بازار و اقتصاد متأثر از بازار، در دوره‌هایی به وقوع پیوست که دولت خواهان مشورت با تولیدکنندگان و بازرگانان در باره هزینه‌ها بود؛ تلاشهای دیگری که برای کنترل بازار انجام شده ثابت کرد که عملاً نوعی مجازات است و به همین جهت واکنشهایی را به دنبال داشت. بازاریان نه تنها مساجد و هیئتهایی که در محدوده بازار قرار داشتند تأمین مالی می‌کردند بلکه در آنها رهبران مذهبی نیز علیه سیاستهای دولت که اثرات منفی بر بازار داشت، سخنرانی می‌نمودند (این اقدام اغلب به منظور زنده نگاهداشتن حرکتهای متعدد مخالف رژیم انجام می‌گرفت). هیئتها دارای شکلهای مختلفی بودند و از جلسات هفتگی شمرخواستی و قرآنت قرآن گرفته تا گروههایی از جوانان که برای دسته‌های مذهبی در مساجد محرم توجه‌خوانی و عزاداری می‌کردند را شامل می‌شد. گروههای اخیر یعنی هیئتها سازمانی را تشکیل دادند که می‌توانست در موارد لازم بسیج شده و برای مقاصد سیاسی نیز به کار گرفته شود.

در عصر پهلوی و همچنین در شرایط کنونی در دوره جمهوری اسلامی ایران، بازار و نظامهای اعتباری آن، بخش عمده اقتصاد ایران را تشکیل می‌دهند. دولت پهلوی سعی کرد نظامهای توزیعی و اعتباری جایگزینی از طریق بانکهای دولتی و تعاونیها ارائه دهد ولی بانکهای

حقوقی ایران صورت گرفته است. موضوع اصلی در مباحث اخلاقی در باره اقتصاد بازار، حصول اطمینان از وضعیت آگاهی و قصد طرفین در خرید یا فروش است. به عنوان مثال: کردکان نمی‌توانند چیزی را بخرند یا به فروش رسانند، ولی می‌توانند به نمایندگی از بزرگسالان دارای صلاحیت، اقدام به خرید یا فروش نمایند. اگر خریدار دریابد که کالا را بالاتر از قیمت منصفانه خریده است، می‌تواند کالای خریداری شده را به فروشنده بازگرداند، یا اگر فروشنده درباره قیمت اطمینان نداشته باشد و دریابد که کالا را به قیمت بسیار پایینی به فروش رسانده است، می‌تواند کالا را بازنس گیرد. قواعدی در باره آنچه باید در یک معامله گفته شود تا معامله بیع (فروش نهایی) به حساب آید، و مباحثی درباره وضع سایر معاملات که به طریق یاد شده تنظیم نشده است (معاملات) وجود دارد. از این قواعد، آنهایی که مربوط به ربا (بهره و رباخواری) می‌باشد، مهم‌ترین و مسئله‌سازترین آنهاست (خصوصاً یا مشخص بودن ساختار اعتبار بازار ذکر شده در بالا، یا نرخهای بهره کاملاً متفاوت که غالباً به نظر می‌رسد نسبت به نرخ استاندارد اقتصادها منسجمتر، بسیار بالا است). در قرون وسطی و اوایل دوره نوزایی (رنسانس) اروپا، مسیحیان و یهودیان سوانجام با پذیرفتن تحریم ربا از سوی کتاب مقدس، با تمایز قائل شدن میان بازدهی غیرعادلانه پول (ربا) و بازدهی عادلانه (بهره)، حقوق مذهبی را با فعالیت بازرگانی و اخلاق سلیم اقتصادی هماهنگ نمودند (م. نلسون، ۱۹۶۹ م). در اسلام نیز این تمایز مورد بحث قرار گرفته ولی هنوز مورد پذیرش همگان قرار نگرفته است. در واقع نظر اکثریت علمای محافظه‌کار این است که

تمامی انواع بهره، ربا است. نتیجه آن، استفاده از «حییل شرعی» یا «کلاه شرعی» (حیله‌های مشروع) قرض الحسنه، موریانی و مخاطره (عقود) به عنوان روشهای محاسبه بهره چنانکه گویی بهره نیست، برده است.^۳ تجریبات مستعدی نیز در دو دهه گذشته وجود داشته است، خصوصاً اکنون در جمهوری اسلامی ایران با بانکهای به اصطلاح اسلامی که بهره مطالبه نمی‌کنند، اما تمامی سپرده‌ها به صورت درهم آمیخته (مشاع) در نفع یا زیان فعالیت، موردنظر سهم‌اند. بررسی پیشینه حقوقی واژه ربا و موارد استفاده از آن در سنتهای صدر اسلام روشن می‌سازد که هدف از ممنوعیت ربا مخالفت با نرخهای بهره مفرط و خصوصاً بدهی اسارت‌بار بوده است که با درخواست مهلت توسط قرض‌گیرنده برای بازپرداخت، وام، اصل مبلغ قرض، از سوی قرض‌دهنده، در برابر می‌گردید. هدف دیگر ممنوعیت ربا، ایجاد تمایز صریح میان مبادلات برابر از مبادلات نابرابر و همچنین کاهش بی‌اعتمادی در معاملات تلف‌خبری از قبیل خرید حیوانات باردار یا خرید محصولات که هنوز نرسیده‌اند، بود.

جدای از قواعد مربوط به قیمت منصفانه و ممنوعیت اخذ ربا، اصولی نیز درباره «خیر عمومی» و همچنین اصولی برای جایگزینی چیزی بهتر (تبدیل) جهت اصلاح قراردادهای وقف وجود دارد. مبادلات بازار صحنه شناخته شده‌ای از تنش میان حقوق فردی و خیر جامعه را به وجود می‌آورد که هرچند به طور مبهم، اما به وسیله دعوی قضایی و اخلاقیات شخصی، ضابطه‌مند شده است. این ابهام در استعاره فزالی که بازار را صحنه جهاد [یا نفس] معرفی می‌کند، به خوبی بیان شده است. سایر مقسوران از کار تاجر به عنوان شغلی در خدمت

1. Common sense 2. Nelson

۳. در قرض الحسنه، مطلقاً بهره‌ای پرداخت نمی‌شود و شخص قرض‌دهنده فقط مبلغ قرض را بر ذمه قرض‌گیرنده می‌گذارد، اما در عقود چون مضاربه و مشارکت، دقیقاً به دلیل وجود «مخاطره»، صاحب سرمایه در سود حاصل از تجارت و هر قرض دیگر سهم است؛ همچنانکه زیان مفروض نیز به سرمایه برمی‌گردد و «عامل» در صورت رعایت همه جوانب لازم، در قبال این ضرر با تلف سرمایه مشغول نیست. نکته دیگر اینکه واژه «حیله» (و جمع آن: حییل) به معنای چاره‌اندیشی است که به خطا و بر اثر بد فهمی آن را با «کلاه شرعی» مرادف کرده‌اند. مراد از حیله شرعی چاره‌اندیشیهایی است که حفظ اصول و ضوابط مسلم فقهی از یک سو و تطبیق شرایط عقلایی و عرفی را از سوی دیگر در مدنظر دارد. به عبارت دیگر، «حیله» در جایی به کار می‌رود که منع شرعی نسبت به گونه‌ای از «معامله» مثلاً قرض ربوی، وجود دارد و از طرفی اصل معامله، مصادق و اقصی «قرض ربوی» نیست. فقها برای آنکه در حکم فقهی دخالت نکنند، در این موارد به امتداد توصیه‌های شرعی، راههایی را به کار می‌بندند که محدود موجود برطرف شود.

جهت گسترش ارتباط مباحث سنتی اسلامی در باره بازار با اقتصاد نوین ملی، صورت گرفته است، ولی هنوز بازار به عنوان قلمرویی نیمه مستقل، با منافع سیاسی و اقتصادی قوی باقی مانده است که حتی جمهوری اسلامی ایران نیز باید به آن احترام بگذارد و با آن مذاکره نماید. سرانجام، افزون بر ضوابط اخلاقی که حقوق اسلامی متضمن آن است و تأملاتی که درباره عدالت اجتماعی وجود دارد، نهادهایی اجتماعی در بازار وجود دارد که شکل‌های فرهنگی مورد نظر خود را از طریق آموزه‌های اخلاقی گسترش می‌دهند. از جمله آنها، هیئت‌ها، زورخانه‌ها و حمامها^۲ (مکانهایی که مردم دور یکدیگر جمع می‌شوند، شایعات و اخبار را نقل می‌کنند و درباره امور همگانی بحث می‌کنند) هستند که درباره آنها مطالبی نگاشتیم. به خاطر علاقه تاریخی و فرهنگی است که زورخانه هم در سنت‌های قبل از اسلام و هم در سنت‌های اسلامی وجود داشته است. زورخانه مروج نوع خاصی از حسن مسئولیت، جوانمردی دلاورانه می‌باشد. تمرین‌های زورخانه همراه با خواندن حماسه ملی یعنی شاعنامه یا اشعاری درباره [حضرت] علی علیه السلام تخصصی امام شیعان، انجام می‌شود. واژه پهلوان که برای ورزشکاران زورخانه به کار می‌رود، همان کلمه‌ای است که برای جنگجویان حماسی شاعنامه به کار رفته است (برای اطلاع بیشتر درباره زورخانه در زبان انگلیسی - فیشر^۳، ۱۹۷۳م، ص ۲۵۲-۲۵۸)، سلسله‌ای از دیگر مسابقات اخلاقی که با چنین برداشتی از پهلوان شروع می‌شود، که مسئولیتی در جامعه به عهده گرفته‌اند، وجود دارد (برای اطلاع بیشتر در این زمینه - بیتسون^۴ و دیگران، ۱۹۷۷م). برای مردان جوان، تصور دلیرانه‌ای از جوانمرد وجود دارد که با گردن کلفت، جاهل، اوباش یا لوطی که منفی، خشن، و اوباش صفت می‌باشد، ملازم است. مردان میان‌سالی که قدرتهای بدنی خود را حفظ می‌کنند و عامل برقراری صلح در جامعه‌اند، داش نامیده می‌شوند؛

جامعه و نه برای نفع شخصی (واجب کفایی) سخن می‌گویند؛ تجارتی هر چند برای اخلاقیات خود شخص؛ خطر آفرین است، ولی خطرات پذیرفته شده است، زیرا بازگانی کاری است که جامعه باید به هر حال آن را انجام دهد. نکته دیگری که بیان شده این است که بازار باید تسهیل و تسهیب (ازام سذھی جھت انجستاب از خلافکاری) تسهیل‌مند شود، و در مواردی مقامات رسمی حسب، محتسب، وجود داشتند، که به رعایت نظم، تنظیم قیمت‌ها و جمع‌آوری مالیات کمک می‌کردند. این کاری بود که قبل از آن در بازارهای روستی - یونانی نهاده شده بود؛ حسب اداره‌ای است که هنوز در عربستان معدودی بدین نام خوانده می‌شود، در سوئد سوئد، مراکش^۱ (که قیمت‌ها بعد از مشورت، با عمده فروشها در باره قیمت‌های تولید، توسط محتسب تعیین می‌شود) و چند بازار دیگر هنوز حسب وجود دارد. سرانجام باید گفت نظری وجود دارد که می‌گویند: اگرچه اسلام از مالکیت خصوصی حمایت می‌کند، چنین مالکیتی در نهایت تنها حق تصرف و مباشر بودن از طرف خدا و جامعه است و از تیر به جامعه حق مداخله و وضع کردن قواعد برای استفاده درست، مبادله و همچنین وضع مالیات می‌دهد. در ایران، انقلاب اسلامی بیانکها، بیمه‌ها، صنایع بزرگ، زمینهای موات و بایر، و بخشی از تجارت، را ملی کرد. تمامی موارد یاد شده به نام نفع عمومی، دفاع از انقلاب یا جامعه اسلامی، ریشه کن نمودن فعالیت‌های فاسد و نادرست (بهره عملیات بانکی، سود جویی مفرط، شرکتیهای بزرگ، که بخش زیادی از سهام بازار را در کنترل داشتند) و برای حصول اطمینان از توزیع عادلانه ثروت‌های عدا داده، انجام شد. اصلاحات ارضی، در دسر ایجاد کرد، زیرا توزیع مجدد ثروت که از طریق اصلاحات ارضی انجام شد، از طریق مصادره آن توسط دولت، یا جامعه صورت نگرفت بلکه از طریق اخذ زمین از یک شخص و واگذاری آن به شخص دیگر انجام شد. اگرچه تلاشهای مستعدی

1. Moroco

۲. مناسبانه در این مقاله به نحوی راجع به برخی زمینه‌ها مانند فعالیت فرهنگی و اجتماعی زورخانه‌ها، حمامها و حتی بازار و تأثیرات وسیع آنها صحبت شده است که با واقعیت جامعه امروز بسیار تفاوت دارد.

3. Fischer

4. Bateson

4. Centlivres, Pierre. *Un bazar d'Asie centrale: Forme et Organisation du bazar de Tashqurghân (Afghanistan)*. Wiesbaden, 1972.
5. Centlivres-Demont, Micheline. *Une communauté de potiers en Iran: Le centre de Meybod (Yazd)*. Wiesbaden 1971.
6. Dillon, Robert. "Carpet Capitalism and Craft Involvement in Kirman, Iran". Ph. D. diss., Columbia University 1976.
>سوداگری فرش و صنایع دستبافت در کرمان، ایران.<
7. English, Paul. *City and Village in Iran*. Madison, Wis. 1966.
>شهر و روستا در ایران.<
8. Fischer, Michael M. J. "Zoroastrian Iran between Myth and Praxis". Ph. D. diss., University of Chicago 1973.
>زردشتیهای ایران بین اسطوره و عمل<؛ در ارتباط با موضوع، فصل ششم را به طور خاص مطالعه نمایید.
9. Fischer, Michael M. J. "Persian Society: Transition and Strain". In *Twentieth-Century Iran*, edited by Hosein Amirsadeghi and R. W. Ferrier, p. 171-195. London 1977.
>جامعه پارس: گذار و فرسایش.<
10. Fischer, Michael M. J. *Iran: From Religious Dispute to Revolution*. Cambridge, Mass. 1980.
>ایران: از مباحثه مذهبی تا انقلاب.<
11. Fischer, Michael M. J. "Towards a Third World Poetics: Seeing through Iranian Short Stories and Films". *Knowledge and Society* 5 (1984): 171-241.
>نگاهی به منظومه‌های جهان سوم: درک معنای واقعی داستانهای کوتاه و فیلمهای ایرانی.<
12. Fischer, Michael M. J., and Mehdi Abedi. *Debating Muslims*. Madison, Wis., 1950. See Pages 143-146.
>مسلمانان مباحثه گر.<
13. Fox, Richard G. *From Zaminder to Ballot Box: Community Change in a North Indian Market*. Ithaca, N.Y. 1969.

«شهر اسلامی» وجود دارد که معمولاً خود را محدود به مشاهده این موضوع می‌کند که مسکن عمومی شهر اسلامی در اطراف مذهب مسجد، بازار و ارگ بنا شده‌اند و خیابانها نیز پریچ و خم‌انده اما دانش واقعی اندکی درباره کارکرد بازار را ذکر کرده است. در مواردی، مشاهدات جامعه‌شناسانه ماکس وبر^۱ درباره تفاوت میان شهرهای بنا شده در اروپای غربی با نقشه‌های مستقل (و ازینرو دارنده نقشی مهم در تکامل شکل‌های سیاسی دولت) و شهرهای آسیایی که در جای موردی آن قرار دارد و فاقد چنین استقلال‌اند، متمرکز گردیده است؛ مطالب یاد شده اکنون با آثاری اندک رلی در حال رشد توسط مورخان اجتماعی درباره شکل‌گیری نخبگان محلی در مراکز شهری و روابط آنها با مالکیت زمین، بازارها، کنترل تجارت منطقه‌ای و وضع مالیات و وضع‌های سلطنتی تکمیل شده است. اکنون تعداد زیادی شرح تفصیلی نیز توسط جغرافیادانان بسیاری از شهرهای دارای بازار، شامل نقشه‌ها و برخی اوقات اطلاعات آماری درباره تعداد منازلها و انواع خانه‌ها وجود دارد. رمانها نیز گاه‌گاهی حساسی مطالب بسیاری درباره عرالم اجتماعی و معاشتهای اقتصادی بازار است (به عنوان مثال: هدایت^۲، ۱۹۷۹؛ نارایان^۳، ۱۹۵۳ م.) (به استناد بهره؛ خمس؛ زیرخانه) برای آشنایی بیشتر، مقاله جامع وبازار، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی]

منابع:

1. Abedi, Mehdi, and Gary Legenhansen, eds. *Bibliography on Islamic Banking*. Houston 1988.
>کتابشناسی بانکداری اسلامی.<
۲. انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، نجف ۱۹۷۲.
3. Bateson, Mary Catherine, et al. "Şafâ-yî Bâin: A Study of the Interrelations of a Set of Iranian Ideal Character Types". In *Psychological Dimensions of Near Eastern Studies*, edited by L. Carl Brown and Norman Itzkowitz, p. 257-273. Princeton 1977.
>وصفای باطن: بررسی رابطه مجسمه‌های از شخصیت‌های آرمانی ایرانی.<

25. Narayan, R. K. *The Financial Expert*. New York 1953.
 <کارشناس مالی>
26. Östör, Ákos. *Culture and Power: Legend, Ritual, Bazaar, and Rebellion in a Bengali Society*. Beverly Hills 1984.
 <فرهنگ و قدرت: افسانه، آداب، بازار و شورش در یک جامعه بنگالی>
27. قطب، سید. *تفسیر آیاتالربا، بیروت [197-?] [197-?]*
28. قطب، سید. *مترکة الاسلام و الرأس مالیه (اسلام در مقابل سرمایه‌داری)*، بیروت و قاهره ۱۹۸۳.
29. Rothblat, Howard J. "Stability and Change in an Iranian Provincial Bazaar". Ph. D. diss., University of Chicago 1972.
 <ثبات و تغییر در یک بازار شهرستانی ایران>
30. Rudner, David. "Caste and Commerce in Indian Society: A Case Study of Nattokottai Chetians". Ph. D. diss., University of Pennsylvania 1985.
 <دینام کاستها (طبقه اجتماعی مزدوری در هند) و تجارت در جامعه هند: پژوهش موردی ناتوکوتای چتیاره>
31. Rudolph, Lloyd I. *In Pursuit of Lakshmi: The Political Economy of the Indian State*. Chicago 1987.
 <در جستجوی لاکشمی: اقتصاد سیاسی کشور هند>
32. صدر، محمدباقر اقتصاددان. *ویراست جدید*. بیروت ۱۹۷۷.
 تحت عنوان اقتصاد ما به انگلیسی ترجمه شده است. ۲ جلد، در ۴ بخش، تهران ۱۹۸۲-۱۹۸۴.
33. شیرازی، صادق. *راهی به سوی بانک اسلامی*، قم ۱۳۹۳/۱۹۷۳.
34. طالقانی، محمود. *اسلام و مالکیت*. تهران ۱۹۶۵.
 هزاران اسلام و مالکیت توسط احمد جباری و فرهنگ رجایی به انگلیسی ترجمه شده است. لکزینگتون، کنتاکی، ۱۹۸۳.
35. Thaiss, Gus. "The Drama of Husain". Ph. D. diss., University of Washington, St. Louis 1973.
 <ماجرای حزین‌انگیز حسین علیه‌السلام>
 / مایگل م. جی. فیشور /
14. Geertz, Clifford. *Peddlers and Princes*. Chicago 1963.
 <دور، گردن و شاهزادگان>
15. Geertz, Clifford. *The Social History of an Indonesian Town*. Cambridge, Mass. 1965.
 <تاریخ اجتماعی یک شهرک اندونزی>
16. Geertz, Clifford. "Suq: The Bazaar Economy in Sefrou". In *Meaning and Order in Moroccan Society*, edited by Clifford Geertz et al. Cambridge 1979.
 <سوق: اقتصاد بازار در سِفْرُو>
17. Goitein, S. D. *A Mediterranean Society*, vol. I, *Economic Foundations*. Berkeley 1968.
 <یک جامعه مدیترانه‌ای، جلد ۱، بنیادهای اقتصادی>
18. Goitein, S. D. *Letters of Medieval Jewish Traders*. Princeton 1973.
 <مراسلات تجار یهودی در قرون وسطا>
۱۹. هدایت، صادق. *حاجی آقا*. آستین ۱۹۷۹.
۲۰. جباری، عبدالرضا. *سیستم اقتصادی اسلام*. قم ۱۹۷۰.
21. Khūri, Fu'ād Ishāq. "Etiquette of Bargaining in the Middle East". *American Anthropologist* 70,6 (1968) 698-706.
 <وآداب و رسوم چانه‌زدن در خاورمیانه>
22. Maunān, Muhammad Abdu. *Islamic Economics: Theory and practice*. Boulder 1986.
 <اقتصاد اسلامی: تئوری و عمل>
23. Mawdūdī, Sayyid Abū al-A'īā. *Capitalism, Socialism, and Islam*. Kuwait, n. d.
 <سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اسلام>
24. Mines, Mattison. *The Warrior Merchants: Textiles, Trade, and Territory in South India*. Cambridge 1984.
 <بازرگانان مسلحشور: پارچه، تجارت و سرزمین در جنوب هندوستان>